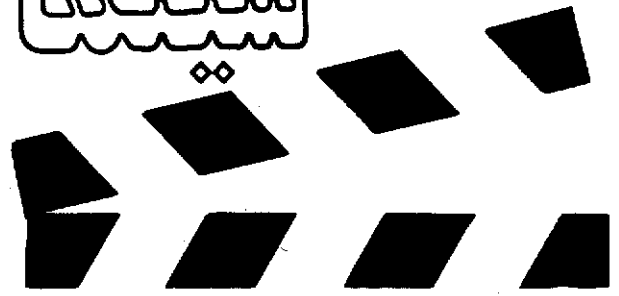


سینما



فیلم «روز بعد»

وفاجعه‌ی جنگ هسته‌ای

روز بعد

روز ۲۰ نوامبر ۱۹۸۳، صد میلیون آمریکایی فیلم تلویزیونی «روز بعد» را تماشا کردند: فیلمی ساخته‌ی کمپانی «ا.بی.سی.» که نشان می‌داد چگونه شهری در قلب مملکتشان با بمب هسته‌ای ویران می‌شود. نمایش این فیلم جنجال

عظیمی برانگیخت. سخنرانان هر دو جناح سیاسی عمده‌ی آمریکا - طرفداران و مخالفان سیاست دفاعی ریگان - وارد کارزار تبلیغاتی شدند. بحث‌های شدید و گسترده‌ای درباره‌ی یافتن راهی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای جهانگیر در گرفت و دیگر برای هیچکس تردیدی باقی نماند که اگر چنین جنگی آغاز شود، همه چیز نابود خواهد شد.

فیلم، کانزاس سیتی را نشان می‌دهد که بکلی نابود می‌شود و شهر لارنس را (شهر دانشگاهی کوچکی در چهل مایلی کانزاس سیتی) که روبه‌نیستی می‌رود، ولی با کمی تأخیر و تأنی. روان‌شناسان درباره‌ی تأثیر بر صحنه‌های هراس‌انگیز این فیلم بر کودکان اظهار نگرانی کرده‌اند. اما کودکان با این که به صحنه‌های ترسناک و خشونت‌بار فیلم‌های تلویزیونی عادت دارند، اولین گروهی بودند که

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

گفتند این فیلم چندان خوبی نبوده است: ناهماهنگی‌ها و تناقض‌هایی در فیلم وجود داشت (و شاید این واقعیت به مقتضای تبدیل کردن یک فیلم چهار ساعته به یک فیلم دو ساعت و پانزده دقیقه‌ای باشد) و با وجود تلاش‌های فراوانی که برای طبیعی نمودن صحنه‌ها بکار رفته، هول و هراس تشعشعات رادیواکتیو هنوز تصنعی بنظر می‌رسد.

دانشمندان می‌گویند از این نظر حق با کودکان است. نه تنها بلایی که به سر مردم نازل خواهد شد مهیب‌تر از این خواهد بود، بلکه شواهد جدید نشان می‌دهند که خاک و دود حاصله از انفجار هسته‌ای ماه‌ها تاریکی و سرمای زیر صفر به دنبال خواهد داشت. ولی این مسئله‌ای نیست: آنچه نشان داده شد به اندازه‌ی کافی مخوف بود و این پیام فیلم بود که اهمیت داشت، نه خط و ربط داستانی‌اش.

سازندگان فیلم تصریح می‌کنند که پیام فیلم سیاسی نیست. البته برضد جنگ هسته‌ای است- ولی این ضدیت را همه کس دارد. شبکه‌ی تلویزیونی تهیه‌کننده‌ی فیلم برای مقابله با برچسب سیاسی زدن دیگران اقداماتی کرد: از جمله میزگردهایی تشکیل داد و بحثهایی شد که ساعت‌ها به طول انجامید. فیلم در آمریکا، آلمان غربی و بریتانیا، درست همزمان با استقرار موشک‌های «کروز» و «پرشینگ-۲»ی آمریکایی در کشورهای اروپای غربی نمایش داده شد. ولی این تصادفی بود.

ابتدا قرار بود فیلم در آخر ماه مه‌ی ۱۹۸۳ نمایش داده شود، ولی پس از این که تصمیم گرفته شد نصف آن را حذف کنند، نمایش فیلم به تأخیر افتاد. ولی با تمام این حرف‌ها پیام فیلم پیام سیاسی بسیار مهمی ست. یکی از شخصیت‌های فیلم، در بین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حرفهایش، از جمله می گوید: مهم نیست چه کسی کلید آتش را اول بزند. اما متن فیلمنامه چنین می گوید: پس از تجاوز نظامی شوروی، غرب به تلافی آن، یک سلاح هسته ای تاکتیکی بکار می برد و به دنبال آن شلیک بمب های هسته ای استراتژیک از دو طرف آغاز می شود. در قسمت اول فیلم، آدم ها به یک سلسله گزارش های رادیویی نامفهوم گوش می دهند. بحرانی در آلمان راه را برای تجاوز شورویها باز کرده و غرب با سلاح های هسته ای تاکتیکی تلافی کرده است.

ماجرا باور کردنی بنظر می رسد. اما با این که خیالی ست، بحث های زیادی مربوط به اولین کاربرد سلاح های هسته ای را پیش می کشد. از جمله ی کسانی که در این بحث داغ شرکت میکنند رابرت مک نامارا، وزیر دفاع ایالات متحده ی آمریکا از ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ بود. او، هم در بحث پس از نمایش فیلم شرکت کرد و هم مسائلی را بطور مفصلتر در شماره ی پاییز مجله ی «مسائل خارجی» مطرح نمود. او نوشت در دوره ی برابری نیروی هسته ای بکار بردن سلاح های هسته ای تاکتیکی در برابر قدرت مشخص شوروی واقعی بنظر نمی رسد.

پیام گسترده تر فیلم این است که جلوگیری از جنگ هسته ای احتمالاً هیچگاه امکان پذیر نخواهد بود. به این دلیل هم به این فیلم حمله شده، چه از طرف مقامات دولتی آمریکایی و چه از طرف برخی از منتقدان. ویلیام باکلی گفت این فیلم می خواهد دولت ایالات متحده را «تضعیف» کند. ژوزف کرافت از «احساسات بدون تفکر» فیلم ایراد گرفت. جری فالول

خواستار تحریم تهیه کننده ی فیلم شد.

چند نفری معتقد بودند یک جنگ هسته ای محدود می تواند محدود باقی بماند. هنری کیسینجر، در جلسه ی بحث بعد از نمایش فیلم، فیلم را «سطحی» خواند و گفت اشتباه است که آنقدر خودمان را بترسانیم تا در مقابل دشمن «از نظر روانشناسی و اخلاقی» خلع سلاح شویم.

مقامات دولتی با احتیاط بیشتری پاسخ دادند: بعضیها گفتند فیلم نشان داد جنگ هسته ای چگونه است و پیداست که ریگان همان مردی ست که می تواند از وقوع چنین مصیبتی جلوگیری کند. جورج شولتز، وزیر خارجه ی آمریکا، بلافاصله پس از نمایش فیلم همین نظر را تکرار کرد. جنگ هسته ای قابل قبول نیست و به این دلیل آمریکا سلاح هسته ای دارد که مطمئن باشد این سلاح هرگز بکار نمی رود. شولتز از پیشنهاد ریگان برای کاستن کلاهک های اتمی حرف زد و از تصمیم او برای برچیدن تعداد زیادی از سلاح های هسته ای در اروپا. جورج بوش، معاون رئیس جمهور، در «نیویورک تایمز» نوشت: «من ریگان را هر روز می بینم و می دانم که پیشنهادش در مورد محدود کردن سلاح های اتمی صادقانه است.» کاخ سفید جزوه ای در باره ی جزئیات پیشنهاد ریگان منتشر کرد. در این جزوه آن قسمت از سخنرانی ریگان در ژاپن (در ۱۱ نوامبر) نقل شده که می گوید: «در جنگ هسته ای پیروزی در کار نیست و چنین جنگی هرگز نباید درگیرد.»

اما جنبش مبارزه با مسابقه ی تسلیحاتی ادعاهای مقامات دولتی آمریکا را نمی پذیرد. ادوار مارکی، نماینده ی ماساچوست، که در

مجلس نمایندگان آمریکا از لایحه‌ی جلوگیری از آزمایش، تهیه و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای آمریکا و شوروی حمایت می‌کرد، از اظهارات ضد و نقیض ریگان و دستیارانش درباره‌ی جنگ هسته‌ای بشدت انتقاد کرد. آنچه جنبش مبارزه با مسابقه‌ی تسلیحاتی می‌خواهد متوقف شدن فوری تهیه‌ی همه‌ی سلاح‌های جدید و برچیدن سلاح‌های قدیمی ست.

جنبش‌های مبارزه با مسابقه‌ی تسلیحاتی، از طرح متوقف کردن تولید سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کنند. آمار می‌گوید که «واشنگتن پست» پس از پخش فیلم «روز بعد» گرفته‌ی نشان می‌دهد ۸۵ درصد از مردم آمریکا از طرح متوقف کردن تولید سلاح‌های هسته‌ای حمایت می‌کنند، در حالی که پیش از نمایش این فیلم ۸۳ درصد حمایت می‌کردند. در ضمن ۴۳ درصد از مردم آمریکا معتقدند سیاست خارجی ریگان احتمال جنگ هسته‌ای را افزایش داده است. ۵۷ درصد می‌گویند اگر پیش از نمایش فیلم هم از آنها می‌پرسیدند همین را می‌گفتند.

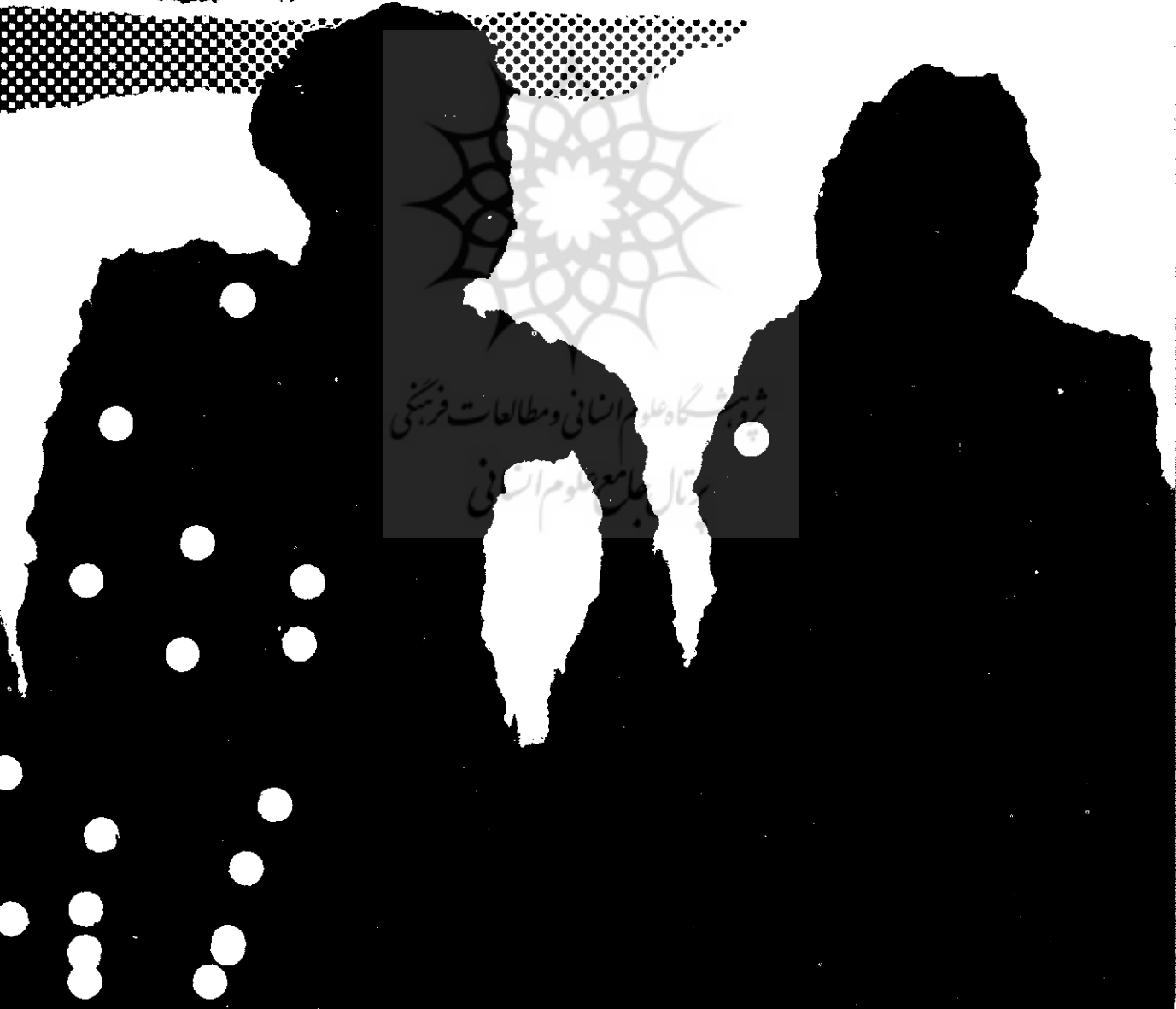
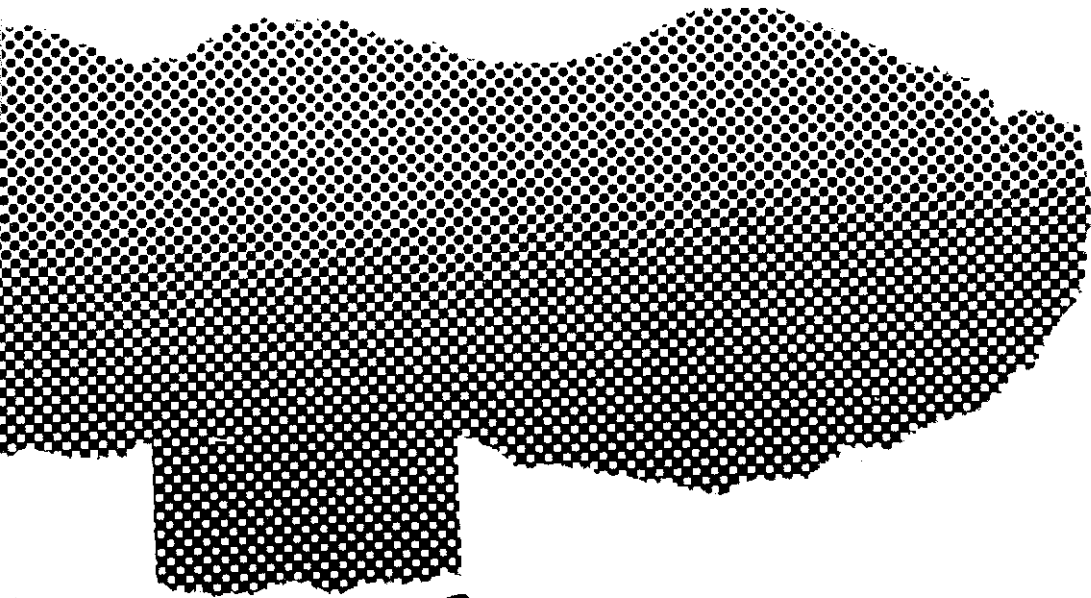
نمایش فیلم انگیزه‌ی فعالیت‌های بسیاری شد: در دوم دسامبر ۱۹۸۳ سازمان دهندگان مبارزه با مسابقه‌ی تسلیحاتی در سن لویی گرد هم آمدند. در ایالت‌های مختلف، زنان آمریکایی پیرامون مراکز تولید سلاح‌های اتمی تجمع کردند. «مرکز اطلاعات دفاعی»، سازمانی که با سیاست‌های دفاعی دولت سخت مخالف است، جزوه‌ای منتشر کرد و راه‌های مبارزه‌ی تبلیغاتی علیه مسابقه‌ی تسلیحاتی را توضیح داد. (شبکه‌ی تلویزیونی «ا.بی.سی.») برای این که بی‌طرفی خود را نشان بدهد، از پخش آگهی این

سازمان در حسین نمایش فیلم خودداری کرد. مدیر این سازمان در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد وزارت دفاع در نظر دارد در ده سال آینده ۱۷ هزار کلاهک اتمی جدید بسازد که از این تعداد فقط ۶ هزار تا جانشین سلاح‌های مستعمل می‌شوند. او هم مثل خلیها، این حرف را تکرار کرد که امروز روز قبل از «روز بعد» است.

زرادخانه‌ی ابرقدرتها بسیار عظیم است. قدرت سلاح‌های هسته‌ای آمریکا و شوروی در حال حاضر یک میلیون برابر قدرت بمبی ست که بر سر هیروشیما فرود آمد. برنامه‌های مبارزه با مسابقه‌ی تسلیحاتی در مقایسه با عظمت جنگ محتمل الوقوع وزنی ندارند.

یکی از عجیب‌ترین واکنش‌هایی که پس از نمایش فیلم دیده شد پیشنهاد سام کوهن - فیزیکی‌دان مخترع بمب نوترونی بود که در «وال استریت ژورنال» نوشت: «آنچه ضروری ست یک سیستم ساده‌ی پناهگاه‌های زیرزمینی نزدیک به خانه‌هاست.» این پناهگاه‌های خودمانی نزدیک به خانه‌ها - آنطور که سام کوهن نوشته - از تخلیه‌ی مردم از مناطق خطر

ارزانت‌تر از آب درمی‌آید و عملی ترهم هست. اما در فیلم نه از عملیات تخلیه‌ی مردم کاری ساخته بود و نه از پناهگاه‌های زیرزمینی، و معلوم نیست که این راه‌حل‌ها بتوانند در زندگی واقعی هم مفید باشند. از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ تأکید زیادی بر ساختن پناهگاه‌های زیرزمینی شد. اما پناهگاه‌های مقاوم در برابر تشعشعات اتمی در شهرهایی ساخته می‌شدند که اهداف اصلی جنگ هسته‌ای بودند و در معرض ضربات



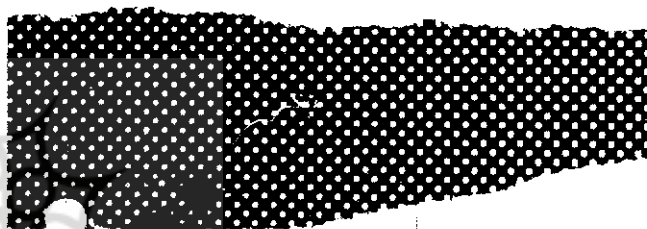
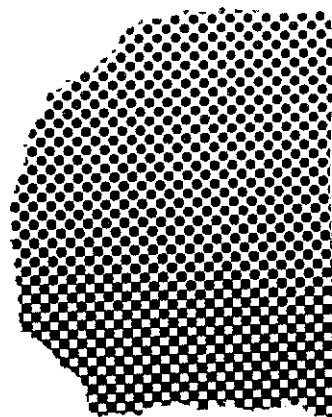
شیراز کاؤنسلور انسانی و مطالعات فریڈی
سال ۱۹۸۰ء

مستقیم، نه در معرض تشعشعات. روشن شد که این پناهگاه‌ها دردی را دوا نمی‌کنند. بنابراین بازگفت و گواز «جابه جایی در مواقع بحرانی» به میان آمد. این راه حل هم در سال‌های اخیر راه حل معقولی بنظر نمی‌رسد.

آژانس فدرال تدارکات اضطراری («فما») که در ۱۹۷۹ تأسیس شد، به این نتیجه رسید، که عملیات جابه‌جایی مردم از شهرهایی که مورد تهدید حمله‌ی اتمی هستند باید همراه با برنامه‌هایی برای گریزاندن مردم از هر مصیبتی باشد— چه این مصیبت توفان باشد و چه زمین لرزه و چه انفجار بمبهای شیمیایی. این برنامه‌ی عریض و طویل که موسوم به «انتقال جمعیت» است تاکنون فقط در مورد نیمی از ۳۰۰۰ منطقه‌ی مسکونی در معرض خطر جنگ هسته‌ای آمریکا مدون شده است. دست اندرکاران این «آژانس تدارکات» می‌دانند که مردم به کجا باید منتقل بشوند، ولی هیچ معلوم نیست که در مناطق میزبان چگونه باید از این جمعیت عظیم نگهداری کرد. کنگره‌ی آمریکا که از نتایج تحقیقات این «آژانس» راضی نیست بودجه‌ی آن را تقلیل داده و هیچکس نمی‌داند که کار تدوین برنامه‌ی «انتقال جمعیت» کی تکمیل خواهد شد و آیا ادامه خواهد یافت یا نه.

«آژانس تدارکات» در سال ۱۹۸۱ سلسله‌ی جزوه‌هایی برای دانش‌آموزان مدارس چاپ کرد. اخیراً از توزیع این جزوه‌ها جلوگیری شده، و معلوم است چرا. در یکی از آنها تشعشعات رادیواکتیو را به این صورت تشریح کرده‌اند:

چیزی شبیه اشعه‌ی خورشید. تابش طولانی آن در طول یک روز مضر است، اما همین تابش



برای «آزادی» و «دموکراسی» هیچ سازشی در کارش نیست. کودکان شهرلارنس پس از تماشای این فیلم گفته اند آنچه که آنان را بیش از همه منقلب کرد این بود که این رئیس جمهور بی نام و نشان مردم آمریکا را با خبر نابودی دشمن تسلی می دهد.

پیوست

گزارش فیلم «روز بعد» از جنگ هسته ای به اندازه ی کافی هولناک هست؛ ولی این فیلم بازهم چیزهایی را ناگفته گذاشته: «زمستان» سیاه و مرگباری که پس از این فاجعه فرا خواهد رسید.

تحقیقات جدید پیش بینی می کند که حتی یک تبادل محدود بمب های هسته ای در قسمت صنعتی نیم کره ی شمالی چنان انفجار عظیمی برمی انگیزد که در عرض چند روز صدها میلیون تن دود به هوا خواهد رفت. این دود متراکم در فضا جلوی نور خورشید را خواهد گرفت. یخبندان پس این تراکم دود همه ی نباتات، حیوانات و انسانهای جان به در برده از انفجار هسته ای را به کام مرگ فرو خواهد برد.

آیا این فقط یک کابوس عجیب و غریب است؟ زمستان پس از انفجار هسته ای فرضیه ی تازه و ساده ای ست.

بیشتر مطالعات مربوط به عواقب جنگ هسته ای به انفجار، آتش سوزی و باران رادیو اکتیو پرداخته اند، ولی دود و خاک حاصل از انفجار را از یاد برده اند. گروهی از دانشمندان جوشناس آمریکایی اخیراً این ایراد را مرتفع کردند. این گروه در اعلامیه ای که در ۲۳ دسامبر ۱۹۸۳ منتشر شد کمیت گرد و خاک و دودی را

در ساعاتی از روز، پس از چند هفته، پوست بدن را برنزه خواهد کرد.

در پایان همین جزوه به خوانندگان نوجوان توصیه می شود که اگر پس از احساس گرمای اشعه ی اتمی نتوانند پناهگاهی بیابند، می توانند «بسادگی روی زمین دراز بکشند و چمباته بزنند.»

یکی از غم انگیزترین صحنه های فیلم صحنه ی پایان فیلم است. همه ی موجودات مرده اند یا دارند می میرند. آنگاه صدای رئیس جمهوری بی نام و نشان از رادیو به گوش می رسد که به آمریکاییها اطمینان می دهد که در مبارزه

که پس از انفجار هسته‌ای تولید می‌شود برآورد کرد و نتایج این اتفاق را برای جو زمین مورد بررسی قرار داد. گروهی متشکل از ۴۰ زیست‌شناس آثار درازمدت آن را در گزارشی جداگانه منتشر کرد.

در صورت وقوع جنگی همراه با انفجار ۵۰۰۰ مگاتن نیروی هسته‌ای (که نزدیک به نیمی از ذخایر هسته‌ای جهان است) و اگر یک پنجم این نیرو صرف اهداف شهری و صنعتی بشود، چه روی خواهد داد؟ (و باید دانست که این مقدار ۴۰۰ هزار برابر قدرت انفجاری بمبی است که بر هیروشیما انداخته شد). انفجار ۱۰۰۰ مگاتن نیروی هسته‌ای در مناطق شهری ۲۴۰/۱۰۰۰ کیلومتر مربع را خواهد سوزاند- و این ۱/۶ کل مناطق شهری دنیا است. ۴۰۰۰ مگاتن باقیمانده نیم میلیون کیلومتر مربع از جنگلها، مراتع و صحراها را خواهد سوزاند.

بلافاصله پس از انفجار، هزاران ابر سیاه دود و خاک تا ارتفاع ۳۰ کیلومتری سطح زمین در نیمکره‌ی شمالی تشکیل خواهد شد. در عرض یکی دو هفته، این ابرها جلوی تابش نور خورشید را خواهد گرفت و فقط مختصری از اشعه‌ی خورشید به سطح زمین خواهد رسید. پس از سه هفته، درجه‌ی حرارت زمین به ۲۳ درجه‌ی سانتیگراد زیر صفر تنزل خواهد کرد و تا چندین ماه در همین حد باقی خواهد ماند.

بیشتر این سرما ناشی از ۲۲۵ میلیون تن دودی است که در چند روز نخست از زمین به هوا می‌رود. انتشار دود از زمین بطور معمول در حدود ۲۲۰ میلیون تن در سال است، ولی بیشتر این دود از ارتفاع دو کیلومتری سطح زمین بالاتر

نمی‌رود، و با ریزش باران بسرعت به سطح زمین برمی‌گردد. از این گذشته، کمتر از یک دهم دودی که در زمان صلح تولید می‌شود «کربن گرافیت» دارد- که ماده‌ای است بسیار کدر. پس از انفجار هسته‌ای این نسبت نزدیک به یک دوم خواهد رسید.

فرضیه‌ی زمستان پس از انفجار هسته‌ای، بطور کلی، مورد قبول تمام دانشمندان قرار گرفته است. «آکادمی ملی علوم آمریکا» مطالعات ویژه‌ای درباره‌ی نتایج جوی انفجار هسته‌ای در دست دارد. انتظار می‌رود که این مطالعات هم دگرگونی‌های شدید جوی را تأیید کند. اما دانشمندان با وجود تأیید کلی این عواقب بر سر درجه‌ی شدت آنها اختلاف نظر دارند.

همه‌ی دانشمندان می‌پذیرند که پیش‌بینی‌هایشان براساس ارزیابی‌های کلی است. برای پیش‌بینی کردن باید درباره‌ی هدفهای اصلی یک جنگ هسته‌ای، درباره‌ی میزان نیروی مخربی که بکار می‌رود و درباره‌ی ارتفاع صعود دود تخمین‌هایی زد. چه میزان نور از میان ذرات دود عبور خواهد کرد؟ آیا ذرات دود بهم می‌چسبند و چه مدت طول می‌کشد تا ریزش باران آنها را به زمین برگرداند.

چیزی که به هیچ وجه نمی‌توان مشخص کرد تأثیر اقیانوس‌هاست- ذخایر عظیم حرارت دست کم در کناره‌ی اقیانوس‌ها از افت حرارت تقریباً به اندازه‌ی ۷۰ درصد کاسته خواهد شد. اقیانوس‌ها در بهترین ایام پیش‌بینی‌های هواشناسی را بهم می‌ریزند.

چه کسی می‌داند در روز بعد از فاجعه چه خواهد کرد؟